

ع ہوا علیم

مطلع انوار

جلد اول

احوال الشخضی حکایات قصص مکاتبات

حضرت لآمۃ آتیه اءءاء سید محمد حسن حسینی طہرانی قدس نفسہ العزیزۃ

مقدمۃ وتعلیقات:

سید محمد حسن حسینی طہرانی

حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق.
مطلع انوار / تألیف سید محمد حسین حسینی طهرانی؛ با مقدمه و تعلیقات سید محمد محسن حسینی طهرانی - طهرانی: مکتب
وحی، ۱۴۳۱ ق.
۱۴ ج: مصور - (دوره مهذب و محقق مکتوبات خطی، مراسلات و مواعظ)

دوره: ۱ - ۲ - ۱ - 90893 - 600 - 978 ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه
نمایه.

۱. اسلام - مقاله ها و خطابه ها. ۲. اسلام - مجموعه ها. ۳. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق. - نامه ها.
۴. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق. - خاطرات. ۵. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۴۵ - ۱۴۱۶ ق. -
داستانهای اخلاقی. ۶. عرفان. الف. حسینی طهرانی، سید محمد محسن، ۱۳۷۵ - ق. مصحح. ب. عنوان. ج. فروست: دوره مهذب
و محقق مکتوبات خطی، مراسلات و مواعظ.

۲۹۷ / ۰۸

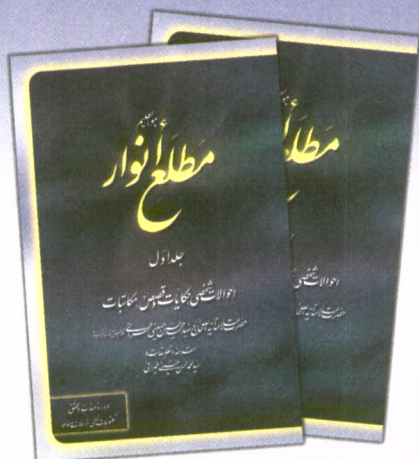
۸۸ - ۱۹۵۳۸۱۱ م

۱۳۸۸ م ۵ / ۱۰ BP

کتابخانه ملی ایران

مطلع انوار (۱)

احوالات شخصی، حکایات و قصص، مکاتبات



مؤلف: علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی

ناشر: مکتب وحی / طهرانی

نوبت چاپ: اول / ۱۴۳۱ هجری قمری

چاپ: نور حکمت ۶۶۹۶۶۶۵۴

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تعداد: ۳۰۰۰

شابک ج ۱: ۸ - ۳ - ۹۰۸۹۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

سال ۱۳۸۹

حق چاپ محفوظ است

تلفن: ۰۹۱۲ ۶۴۵ ۴۳۹۷

www.maktabevahy.org

info@maktabevahy.org

از امیرالمؤمنین علیه السّلام مأثور است که:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ؛ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ.

«دل‌های آدمیان را گاهی ملالت و خستگی فرامی‌گیرد، (از کثرت ارتباطات با افرادِ عوام و اشتغال به امور دنیا و حوادث روزمره و تکراری، نفس انسان خسته و ملول می‌گردد) همچنان‌که بدن آدمی را خستگی و سستی دست می‌دهد؛ پس در این هنگام با مطالبِ حکمی و آموزه‌های اخلاقی روح و روان را به نشاط و طراوت درآورید.»

نهج البلاغة

فہرست مطالب

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب و موضوعات

جلد اول

صفحه

عنوان

۲۳ - ۳۸

مقدمه

فصل اول:

احوال شخصى

۳۹ - ۱۱۴

- ۴۱ [مهاجرت به أرض اقدس مشهد الرضا عليه السلام]
- ۴۱ در احوال مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله عليه و قضیه‌ای از سید محمد حسین طهرانی
- ۴۵ [علت انتساب مرحوم علامه طهرانی قدس الله نفسه و خانواده ایشان به سادات حسنی] ..
- ۴۶ احوالات جدّ حقیر مرحوم آية الله آقا سید ابراهیم طهرانی رضوان الله علیه
- ۵۳ احوالات مرحوم آقا میرزا دانی (آقا میرزا محمد طهرانی عسگری دانی پدر این حقیر)
- ۵۴ [شرح احوال مجلسین رضوان الله علیهما]
- ۵۷ ترجمه حال مرحوم آقا دانی آقا میرزا محمد طهرانی رضوان الله علیه
- ۵۷ کتاب «الذکر النظیم فی الأئمة اللّهامیم» لیوسف بن أبی حاتم شامی
- ۶۰ [راجع به نسب مرحوم بحر العلوم]
- ۶۲ أبو نعیم اصفهانی جدّ مجلسی هاست

- ۶۴ عم رضاعی ما: مرحوم آقا سید مهدی فقاہتی سبزواری
- ۶۶ داستانی در اہتمام بہ تحصیل از ہمشیرہ حقیر
- ۶۷ دستخط مرحوم پدر:
- ۶۷ [شدت اہتمام بہ حفظ آثار]
- ۶۹ [سفر بہ حج بیت اللہ حرام در سنہ ۱۴۰۷ ہجری قمری]
- ۶۹ [محدودہ قربانگاہہای موجود در منی]
- ۷۰ کشتار سعودی ہا حجّاج ایرانی را در شارع مسجدالحرام در سنہ ۱۴۰۷، روز ۶ ذوالحجۃ الحرام
- ۷۱ مشربہ ام ابراہیم و مسجد الفضیخ را حقیر در این سنہ زیارت کردم
- ۷۲ نام برخی از ارحام حقیر کہ مؤلف کتابی در علم رجال بودہ اند
- اسامی و موضوعات کتب مدوّتہ و مصنّفہ بہ دست این حقیر: سید محمد حسین حسینی
- ۷۴ طهرانی
- ۸۲ مسائلی کہ باید مفصلاً نوشتہ گردد و جواب گفتہ شود
- ۸۸ [آیات صریحہ در متابعت از سنن نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم (ت)]
- ۸۸ [احادیثی از عامّہ راجع بہ اداء صلوات خمسہ در اوّل وقت آن (ت)]
- ۹۰ [روایاتی راجع بہ اوقات فضیلت صلوات خمسہ (ت)]
- ۹۰ [روایاتی راجع بہ فضیلت تأخیر نماز عشاء از زوال حمزہ مغربہ (ت)]
- ۹۱ [سنت و سیرہ رسول خدا بر تفرقہ و تقسیم نمازہای یومیہ بہ پنج وقت فضیلت (ت)]
- ۹۲ [احادیثی از طریق اہل بیت علیہم السلام در باب اداء صلوات خمسہ در اوّل وقت آن (ت)]
- ۹۳ [افضلیت خواندن نماز در اوّل وقت از وقت مشترک (ت)]
- ۹۵ [شاگردی مرحوم استاد مطہری رضوان اللہ علیہ نزد مرحوم علامہ طهرانی قدس اللہ رستہ]
- ۹۶ کسالت سکنۃ قلبی حقیر
- ۹۷ عملیہ فتی در دو طرف
- [در تاریخ وفات حضرت والد آیۃ اللہ حاج سید محمد صادق طهرانی و کلمہ ای از ارسطو
- ۹۸ درباره عدل]
- ۹۹ تاریخ رحلت والد و والدہ و مدفن آنها
- ۱۰۲ [در تاریخ وفات حضرت اخوی بزرگ آقای حاج سید محمد مهدی]
- ۱۰۲ رحلت مرحوم عموی ما: آیۃ اللہ حاج سید محمد تقی طهرانی رضوان اللہ علیہ

- [در فوت حاج آقا معین شیرازی] ۱۰۵
- [تاریخچه زندگی یک فرزند متوفای حقیر که به سن یازده ماه بود] ۱۰۶
- [متن وصیت نامه مرحوم آقا سید هاشم حداد به مرحوم علامه طهرانی قدس الله اسرارهما] ۱۰۷
- [وصیت نامه مرحوم علامه طهرانی قدس الله نفسه الزکیه] ۱۰۸
- [متن تلگراف آیه الله خامنه‌ای به مناسبت ارتحال علامه طهرانی رضوان الله علیه] ۱۱۳
- فصل دوم:

حکایات و قصص

۲۸۴ - ۱۱۵

- [حکایات اخلاقی و عرفانی] ۲۴۰ - ۱۱۷
- [راجع به انتظار فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف] ۱۱۷
- [حکایت مرد صابون فروش و فرمایش امام زمان عجل الله تعالی فرجه: رُدّوه فإنه رجل صابونی] ۱۱۹
- [حکایتی از آقای شمس قفقازی راجع به صبر و تحمل طلاب] ۱۲۰
- [حکایتی راجع به اتحاد و اتفاق اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام با هم] ۱۲۲
- [حکایتی راجع به طلب کیمیا نمودن درویش از حرم امیرالمؤمنین علیه السلام] ۱۲۳
- [حکایتی راجع به اینکه خداوند را باید برای خداوند عبادت کرد، نه برای عطایای او] ۱۲۴
- [حکایتی در کرامت ابن فهد حلّی] ۱۲۵
- [حکایت خادم مدرسه قزوینی‌ها که با امام زمان علیه السلام مراوده داشته است] ۱۲۵
- [حکایتی راجع به خادم و باغبان مدرسه علمیه ترشیز با یکی از اولیاء خدا] ۱۲۷
- [خادمی کردن حاج ملا هادی سبزواری چندین سال در کرمان] ۱۳۰
- [فرمایش امام حسین علیه السلام به حاج شیخ محمد حسین اصفهانی که اعمال خود را در خفا بجا آورد] ۱۳۰
- [حکایت محمدعلی نساج از اهالی دزفول که از اولیاء خدا و سربازان امام زمان علیه السلام بوده] ۱۳۰
- [مأموریت شیخ انصاری از طرف امام زمان علیه السلام در حله] ۱۳۴
- [داستانی عجیب در امانت داری از سید هاشم خطاب] ۱۳۵

- ۱۳۷ [ملاقات شیخ محمد کوفی در مسجد کوفه با امام زمان علیه السلام]
- ۱۳۸ [شفا یافتن اسماعیل هرقلی توسط امام زمان علیه السلام]
- ۱۴۱ [پیدایش نوری در پیشاپیش آقای شیخ محمد تقی بهجت رضوان الله علیه برای تجدید وضو]
- ۱۴۲ [حکایت شیری که سر راه آقا شیخ محمد تقی بافقی در راه کربلا خوابیده بود]
- ۱۴۳ [حکایتی شگفت انگیز در باب تقلید]
- ۱۴۴ [خواب آقای سید ابوالحسن اصفهانی و حساب کشی از امور حسیّه]
- ۱۴۴ [ملاقات آقا سید حسن یکی از اولیاء الله را در راه مسجد کوفه]
- ۱۴۵ [حکایت به حج رفتن آقا سید عزیز الله جدّ مرحوم آقا بزرگ طهرانی]
- ۱۴۷ [آگاهی مردگان از طلب مغفرت و خیرات احیاء]
- ۱۴۷ [غذای مرا در طاس حمام چرا می کشد؟]
- ۱۴۸ [چرا چند شب است یاد من نمی کنید؟]
- ۱۴۸ [ثواب زیارت اهل قبور در شبهای جمعه]
- ۱۴۹ [روایای مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی)]
- ۱۴۹ [سفارش اکید آقا بزرگ طهرانی (ره) به کتاب «مستدرک الوسائل»]
- ۱۵۱ [مکاشفه‌ای در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه علیهم السلام]
- ۱۵۵ [حکایت مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری و جوان کفّاش که از اولیاء خدا بود]
- ۱۵۷ [روایای امام جمعه زنجان، آقای حاج سید محمود امام جمعه]
- ۱۵۸ [در احوال مرحوم آقا سید علی شوشتری (ره)]
- ۱۵۹ [پاسخ مرحوم آقا سید احمد کربلانی به طهرانی‌ها در مورد رساله عملیه]
- [توسّل به حضرت سیدالشهداء علیه السلام و شفا دادن حضرت رضا علیه السلام بیمار در آستانه مرگ را]
- ۱۵۹ [فیوضات و آثار قبر آقای شیخ محمد بهاری همدانی رضوان الله علیه]
- ۱۶۱ [داستانی از مرحوم حاج شیخ محمد بهاری رحمه الله علیه پس از مرگ]
- ۱۶۲ [راجع به آقا شیخ علی محمد نجف آبادی معروف به آخوند گربه]
- ۱۶۲ [تبّعید آقای ابوالحسن حافظیان توسط مرحوم نخودکی]
- ۱۶۳ [حکمت استیجار صوم و صلاة در دستگیری از ضعفاء]
- ۱۶۴ [داستان مرحوم حائری و مرحوم شیخ حسین یزدی]
- ۱۶۵

- ۱۶۶ [داستانی از شخصی دهاتی در محضر مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم قمی]
- ۱۶۸ درباره آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی
- ۱۶۹ درباره حاج شیخ عباس قمی
- ۱۷۰ [به مضیفه افتادن حاج شیخ عباس قمی در طبع سفینه البحار]
- ۱۷۱ [داستان آقا سید جواد کربلانی و خواب مرد سنی راجع به برزخ و شب اول قبر]
- ۱۷۱ [داستان دختر افندی در کنار قبر مادر]
- ۱۷۳ [راجع به حروف ابجد و احضار جن]
- ۱۷۴ [توقع آگاهی از اسرار و دقائق، درخواست از غریبه نیست]
- ۱۷۵ راجع به طی الارض
- ۱۷۷ [داستان قالیچه حضرت سلیمان]
- ۱۷۸ [دو شاهد در طی الارض داشتن مرحوم قاضی (ره)]
- ۱۷۹ ملاقات آقای حاج سید احمد کربلانی با درویش
- ۱۷۹ راجع به آقا سید احمد کربلانی، رضوان الله علیه
- [ملزم شدن مرحوم کمپانی در پایان مناظرات با آقا سید احمد کربلانی توسط آقا سید حسن کشمیری]
- ۱۸۰ [داستان میهمان بیدار علی]
- ۱۸۲ تفأل به قرآن کریم آیه الله گلبایگانی
- ۱۸۵ تدریس علامه طباطبائی مدظله اسفار را در حوزه قم [و بیان تفأل عجیب به دیوان حافظ]
- ۱۸۷ آثار نقاهت در سن پیری
- ۱۸۸ [اعتراض به نهضت مشروطه در محضر میرزا]
- ۱۸۸ داستان آقا شیخ اسماعیل جابلقی و دور افتادن از قافله
- ۱۹۱ معجزات حضرت امام رضا علیه السلام
- ۱۹۱ [شفا یافتن همسر حاج آقا بزرگ اراکی توسط امام رضا علیه السلام]
- ۱۹۲ [گرفتن مخارج سفر و سوغات زیارت امام رضا علیه السلام]
- ۱۹۲ [شفا یافتن حضرت آیه الله حائری توسط امام رضا علیه السلام]
- ۱۹۳ راجع به تولد مرحوم آیت الله حائری رحمه الله علیه
- ۱۹۴ راجع به حالات مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله علیه

- ۱۹۵ [در حالات مرحوم اردکانی رحمه الله عليه]
- ۱۹۵ راجع به کیفیت بحث در سامراء
- ۱۹۷ [فوت دختر آقای حداد (ره)]
- ۱۹۷ راجع به تقلید از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی، رضوان الله عليه
- ۱۹۸ [مکاشفه‌ای از مرحوم علامه در توکد فرزندان آقای حاج سید علی]
- ۱۹۹ کرامت حضرت امام رضا علیه السلام در استجاب دعای دختر مرحوم حیدری
- ۲۰۰ حکایتی از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی راجع به اشتباه واضح
- ۲۰۲ [لولا کتاب الألفین و زیارة الحسین علیه السلام لأهلکتنی الفتاوی]
- ۲۰۲ سید ضیاء الدین دری و خواب عجیب
- ۲۰۴ [داستانی در باب تملق]
- ۲۰۵ [انتقاد مرحوم آقا سید جمال الدین گلپایگانی از رویه مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی]
- ۲۰۵ [مکاشفه آقا سید جمال الدین گلپایگانی از فوت آقا شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی]
- ۲۰۶ [شدت اهتمام مرحوم آیه الله آخوند خراسانی به امور طلاب]
- ۲۰۷ دو حکایت از مرحوم علامه امینی
- ۲۰۸ [روایاتی از مرحوم علامه راجع به حاج شیخ محمد حسین اصفهانی مسجد شاهی]
- ۲۰۹ قصه‌ای از آقای آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در اهتمام به امور طلاب
- ۲۰۹ [حکایتی از مرحوم میر لوحی صاحب کتاب «کفایة المهتدین»]
- ۲۱۰ [این سید نفس کافری دارد]
- ۲۱۱ [مطالب مطرح شده توسط آقای حاج سید محمد علی میلانی]
- ۲۱۱ [بی‌هوش شدن آقای حاج سید احمد کربلانی با شنیدن آیه «نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا»]
- ۲۱۲ [عقد اخوت حاج مشهدی هادی ابهری خانصنمی با آیه الله میلانی]
- ۲۱۲ [پنهان‌بوی حیا، شرم نمی‌کند با جنابت داخل مجلس امام حسین شده است]
- ۲۱۳ [مکاشفه آقای بیانی رحمه الله علیه درباره استادی مرحوم حداد بعد از آقای قاضی]
- ۲۱۶ [مکاشفه آقای بیانی رحمه الله علیه از فوت آقای انصاری]
- ۲۱۸ [عنایت خاص مرحوم قاضی (ره) به آقای حداد]
- ۲۱۸ در روزی رساندن خدا من حیث لا یحتسب و داستان طلبه پاکستانی
- ۲۲۱ رویای عجیب کاشف الغطاء در اثر نسبت حکم بدون دلیل به علماء دادن

- شیعیان باید در مجالس قرآن و فاتحه، احترام قرآن را بیش از پیش مراعات کنند ۲۲۳
- [سبب قتل محمد مشتاق علی‌شاه] ۲۲۴
- آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی، سید معصوم علی‌شاه و مظفر علی‌شاه را کشت ۲۲۵
- ملاً عبد الصمد همدانی، حاج محمد جعفر کبودرآهنگی و حاج ملاً رضای همدانی کوثر علی] ۲۲۹
- [ابیاتی از کتاب «نور الابصار» در کشتن اولیاء خدا] ۲۳۰
- [جریان خطور آقا حاج محمد رضا تبریزی و به گردن پیچیدن درویش عمامه او را] ۲۳۲
- [کشتن آقا محمد علی بهبهانی اولیاء خدا را در کرمانشاه] ۲۳۳
- [کیفیت ارتباط سید بحر العلوم با نور علی‌شاه] ۲۳۴
- [نصایح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به گروهی از بنی تمیم] ۲۳۷
- اشعاری از ملاً باشی ۲۳۸

۲۴۱ - ۲۸۴

حکایات تاریخی اجتماعی

- داستان رئیس جامع الأزهر و شهادت بر ولایت در آذان ۲۴۱
- [حکایتی از حضرت صادق علیه السلام راجع به توحید و یگانگی صفت خدا با رسول خدا] ۲۴۳
- راجع به «غزاة ذات السلسلة» که رسول خدا جمله تاریخی خود را درباره امیرالمؤمنین گفتند ۲۴۴
- وفات عبدالله بن ابی ستلول و نماز رسول خدا بر عبدالله بن ابی و مانع شدن عمر ۲۴۵
- [عجز خواجه نصیرالدین طوسی از ادراک حقیقت توحید به نقل از ریحانة الأدب] ۲۴۷
- [کیفیت به شهادت رسیدن سید تاج الدین ابوالفضل و پسرانش] ۲۴۷
- [تشییع سلطان محمد خدابنده به نقل از کنالی الأخبار] ۲۴۸
- کشتار شیعة کرخ بغداد و آتش زدن قبور ائمه کاظمین توسط حنابله ۲۴۸
- پناهندگی معاویه بن مغیره بن ابی العاص به عثمان ۲۵۶
- [خدایا به فریادم برس] ۲۵۷
- جشن مذهبی انیکاه که در نقطه دوردستی برپا می‌کنند؛ و دختری را قربانی خورشید می‌نمایند ۲۵۸
- سگ با وفا [بعد از فقدان صاحبش، چندین سال موقع مقرر ملاقات می‌آمده و می‌رفته است] ۲۶۱
- نسل یک مرد ایرانی! ۲۶۳
- حزب شیرازی‌ها در زنگبار دارای عظیم‌ترین قدرت سیاسی است ۲۶۵

- تبلیغات اسلامی در زنگبار بسیار مطلوب است ۲۶۶
- تمام مسلمانان زنگبار شیعه می‌باشند؛ و این به همت سرلشگر کربلائی علیخان صورت پذیرفت ۲۶۷
- ایمان و نزدیکی به خداوند ۲۶۸
- مراسم خنجر و سیخ و چاقو بر دست‌ها و سینه فروبردن را در خارج از شهر انجام دادند ۲۶۹
- شمشیر زنی با تلاوت آیات قرآن، و طبل و دایره شروع شد ۲۷۰
- با سوزاندن چوب صندل فضا عطرآگین گردید و به نوبت، کارگردانان وارد معرکه شدند ۲۷۱
- جریان از حالت عادی بیرون شدن عبدالله و رفتن در میان صحنه و عملیات را بر خود انجام دادن ۲۷۲
- حالت دگرگونی، مست و مدهوش شدن در اثر آیات قرآن، و آهنگ طبل‌ها و بوی خوش صندل ۲۷۳
- اعمال شگفت‌انگیزی که خلیفه با شمشیر قاطع و خنجرهای برنده بر روی بدن انجام داد ۲۷۴
- این اعمال در اثر غفلت از عالم ماده و طبیعت است، ربطی به عالم معنی و تجرد و روحانیات ندارد ۲۷۶
- خلیفه در شب تار گرزهایی را شعله‌ور ساخت و در دهان خود آتش را فرو می‌برد ۲۷۷
- اعمال اعجاب‌آور، مربوط به تقویت نفس است و با ایمان به خداوند واحد ارتباطی ندارد ۲۷۸
- سیاهان کامرون جسد مادر بزرگ را در جشن عظیمی آبگوشت می‌پزند و می‌خورند ۲۸۱
- [داستان مردی که با گفتن بسم الله مانند حضرت عیسی بر روی آب راه می‌رفت] ۲۸۲
- داستان فرار مغن بن زائده و کرامت غلامی که وی را یافت و رها نمود ۲۸۳
- فصل سوّم:

منقولات و ملاقاتها و مکتوبات

۳۷۶ - ۲۸۵

منقولات و ملاقاتها

۳۱۱ - ۲۸۷

- راجع به مرحوم آیه الله سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله علیه ۲۸۷
- مطالبی از آیه الله حاج شیخ محمد تقی بهجت رشتی فومنی، مد ظله العالی ۲۹۰
- راجع به مطالعه و نوشتن قبل از غروب ۲۹۱

داستان علامه آیه الله طباطبائی رضوان الله علیه	۲۹۲
بحث شَرَقُ یعنی شراب به اضافه عَرَق	۲۹۳
افسانه شیرین و لطیف از حرکت جوال دوزان در زمرة خیاطان	۲۹۵
[علامه طباطبائی (ره): به خدمت آقای حاج شیخ عباس قوچانی برو و به نیابت من دست ایشان را ببوس]	۲۹۵
[لَا يَتَشَرُّهُ الْهَدَى إِلَّا مِنْ حَيْثُ انْتَشَرَ الضَّلَالُ]	۲۹۶
[الْعِلْمُ نَهْرٌ وَ الْحِكْمَةُ بَحْرٌ]	۲۹۶
[امام صادق علیه السلام: العرفاء فينا كالبدر بين النجوم و كجبرئيل بين الملائكة]	۲۹۷
[حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرکز مودت بودند]	۲۹۷
[چند روایت جالب به نقل از آقای حاج شیخ هادی تالهی]	۲۹۸
[خوش آنکه دلش ز ذکر پر نور شود]	۲۹۹
راجع به تقوا و فضیلت شاگردان شیخ مرتضی انصاری قدس سره	۳۰۰
[کیفیت تصویر مرحوم سید بحر العلوم]	۳۰۱
[عمل خیر اگر برای خدا باشد، کمش بسیار و بسیارش کم است]	۳۰۲
[احادیث مطرح شده در ملاقات با آیه الله حاج شیخ هادی تالهی همدانی]	۳۰۲
نصایح حضرت آیه الله حاج شیخ هادی تالهی همدانی، دامت برکاته	۳۰۳
نقد آقای حلبی از علامه طباطبائی، قدس الله تربته	۳۰۵
[مطالب ذکر شده توسط آقای حاج عزیز الله طباطبائی درباره کتابخانه‌های شام و قونیه و لندن]	۳۰۵
[آقای محمد جواد بید آبادی را کسی نشناخت]	۳۰۸
[إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عِبَاداً إِذَا أَرَادُوا أَرَادَ]	۳۰۹
[کلام باطل فخر رازی ذیل آیه «وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ...»]	۳۰۹
[اشعار مکتوب گرداگرد ضریح مطهر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم]	۳۱۰
۳۱۳ - ۳۷۶	

مکتوبات

[نامه‌های حضرت علامه به بعضی از اقارب و بستگان]	۳۱۳
[نامه مرحوم علامه طهرانی از شام به بعضی از فرزندان]	۳۱۳
[نامه حضرت علامه از حج بیت الله الحرام به بعضی از فرزندان]	۳۱۴

- ۳۱۶ [استفسار از صحت مزاج و احوال یکی از فرزندان]
- ۳۱۷ [پاسخ به سؤالات شرعی یکی از فرزندان]
- ۳۲۰ [توصیه‌های اخلاقی مرحوم علامه به یکی از فرزندان]
- ۳۲۱ [توصیه‌های مرحوم علامه به درک محضر علامه طباطبائی به یکی از فرزندان]
- ۳۲۲ [توصیه‌های مرحوم علامه به بعضی از فرزندان]
- ۳۲۳ [توصیه به استفسار از احوال مرحوم علامه طباطبائی و ابلاغ تسلیت حضوری به ایشان]
- ۳۲۴ [راهنمایی‌های تحصیلی و سلوکی مرحوم علامه به یکی از فرزندان]
- ۳۲۵ [توصیه‌های سلوکی مرحوم علامه به بعضی از فرزندان]
- ۳۲۶ [توصیه‌های سلوکی مرحوم علامه به یکی از فرزندان]
- ۳۲۷ [نامه حضرت علامه به بعضی از اقارب در مرافعات خانوادگی]
- ۳۳۲ [استفسار از صحت مزاج و احوال یکی از فرزندان]
- ۳۳۳ [نامه حضرت علامه به بعضی از فرزندان و توصیه به عدم جواز هجرت به بلاد کفر]
- ۳۳۵ [نامه‌ها و مراسلات حضرت علامه با آقای حاج محمد حسن بیانی قدس الله اسرارهما]
- ۳۴۲ [نامه یکی از شاگردان حضرت آقای حداد به مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیهما]
- [مکاتبات حضرت علامه طهرانی با بعضی از اجله و اعزّه از علماء و فقهاء
رضوان الله علیهم]
- ۳۴۴ [نسب مرحوم وحید بهبهانی]
- ۳۴۵ [نامه جناب حجة الاسلام حاج میرزا حسن نوری دامت معالیه]
- ۳۴۸ [از سالک دل خسته آقای حاج شیخ عباس طهرانی رحمه الله علیه]
- ۳۵۲ [پاسخ حضرت آیه الله گلپایگانی به اهداء رساله رؤیت هلال حضرت علامه]
- ۳۵۲ [نامه مرحوم علامه طهرانی به مرحوم آیه الله گلپایگانی درباره شهر و ماه‌های قمری]
- ۳۵۳ [نامه حضرت آیه الله گلپایگانی پس از اهداء رساله فقهیه شهر قمریه به ایشان]
- ۳۵۴ [پاسخ نامه مرحوم علامه طهرانی به صاحب کتاب «نظریه‌ای بر تقویم قمری»]
- [پاسخ نامه مرحوم علامه طهرانی به مسئول لجنة تحقیق و بررسی در موضوعات نهج
البلاغه]
- ۳۵۵ [پاسخ آیه الله آقا شیخ حسین حلی به نامه تعزیت و تسلیت حضرت علامه]
- ۳۵۸ [نامه حضرت آیه الله آقا شیخ عباس هاتف قوچانی به مرحوم علامه]

۳۵۹	[بخشی از دعاء در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف]
۳۵۹	[نامه اخلاقی آقا سید ابراهیم کرمانشاهی به حضرت علامه]
۳۶۲	[نامه اخلاقی آقای حاج شیخ عباس طهرانی به حضرت علامه]
۳۶۳	[پاسخ مرحوم آیه الله سید مرتضی عسگری به نامه مرحوم علامه طهرانی]
۳۶۴	[نامه آقای حاج شیخ محمد عسگری طهرانی به حضرت علامه]
۳۶۵	[نامه دکتر حشمت الله مقصودی به حضرت علامه از فرانسه]
۳۶۶	[نامه آیه الله آقا سید علی لواسانی به حضرت علامه]
۳۶۸	[درخواست مرحوم آقا سید علی لواسانی جهت تفحص در فتاوای علماء مذاهب اربعه]
۳۷۰	[صورة کتاب آیه الله الحاج السید علی اللّواسانی دامت برکاته]
۳۷۲	[نامه مرحوم آقا شیخ محمد لاکانی به مرحوم علامه]
۳۷۳	[پاسخ آیه الله خوئی به نامه تسلیت و تعزیت حضرت علامه]
۳۷۳	[پاسخ آیه الله سید محمود شاهرودی به نامه حضرت علامه]
	[پاسخ آیه الله آقا شیخ حسین حلی به تسلیت و تعزیت حضرت علامه در فوت مرحوم
۳۷۴	کماری]
	[پاسخ آیه الله آقا شیخ حسین حلی به تسلیت حضرت علامه در فوت مرحوم آیه الله
۳۷۵	حامی]
	[پاسخ آیه الله آقا شیخ حسین حلی به تسلیت حضرت علامه در فوت آیه الله العظمی
۳۷۵	بروجردی]
۳۷۷ - ۳۹۰	مجموعه تصاویر
۳۹۱ - ۴۰۷	فهرست تألیفات

مقدمه



بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيمِ
الحمد لله ربَّ العالمين
و صلوات الله و سلامه على خاتم المرسلين و آله الطاهرين
و لعنة الله على أعدائهم أجمعين

مجموعه‌ای که اینک پیش روی خوانندگان گرامی است، شرح احوال و حکایات و پاره‌ای از آثار برخی از بزرگان علم و معرفت است که توسط مرحوم علامه بی‌بدیل آیه الله العظمی حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی - قدس الله سره - در مجموعه نوشتجات خطی ایشان که به نام «جنگ» گردآوری شده، تدوین گردیده است.

مرحوم علامه طهرانی - رضوان الله علیه - از زمان تشرّف به قم جهت تحصیل در معارف اسلامی و علوم اهل البيت عليهم السلام همواره دفترچه‌ای کوچک در جیب خود داشتند تا چنانچه در طی شبانه‌روز در وقت مطالعه کتب و یا ملاقات با بزرگان و حتّی افراد عادی، به مطلبی طُرفه و بدیع برخورد می‌کردند آن را یادداشت و ثبت می‌نمودند و از آنها در سخنرانی‌ها و مجالس و تألیفات خود استفاده می‌کردند؛ و این سنت تا آخر حیات ایشان ادامه داشته است.

البته این سنت در احوال بسیاری از بزرگان به چشم می‌خورد، مانند: «خزائن» مرحوم نراقی و «کشکول» شیخ بهائی و «مثنوی طاق‌دیس» و «زنبیل» حاج میرزا فرهاد و غیره که هر کدام به نوبه خود دارای مطالبی راقی و نکته‌هایی دلنشین و تحفی ثمین می‌باشند، و از سعه علمی و مرتبت روحی و افق معنوی نویسنده حکایت می‌نمایند؛ و چه بسا انسان در همین نوشتارها و مطالب متفرقه به پاره‌ای از مسایل و رموزی دست می‌یابد که نظیر آن را در تألیفات مدوّه و کتب مرسومه آنها نمی‌تواند پیدا کند.

و از آنجا که مطالب این کتب از موضوعات مختلفه و فنون متفرقه جمع گردیده است طبعاً از یک لطافت و جاذبیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ زیرا تنوع مسایل و تفرق مطالب در فنون و موارد مختلفه انسان را پیوسته مبتهج و با نشاط و پیگیر قرار می‌دهد، و آن ملالت و فتوری که چه بسا در مطالعه یکنواخت نوشته‌ای دست می‌دهد در آنها راه ندارد؛ و حتی شنیده شده است بعضی از بزرگان، داعی بر تألیفاتی این چنین را همین غرض ذکر کرده‌اند؛ چنانچه از امیرالمؤمنین علیه السلام مأثور است که:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ؛ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ.^۱

«دل‌های آدمیان را گاهی ملالت و خستگی فرامی‌گیرد، (از کثرت ارتباطات با افراد عوام و اشتغال به امور دنیا و حوادث روزمره و تکراری، نفس انسان خسته و ملول می‌گردد) همچنان‌که بدن آدمی را خستگی و سستی دست می‌دهد؛ پس در این هنگام با مطالب حکمی و آموزه‌های اخلاقی روح و روان را به نشاط و طراوت درآورید.»

بزرگان پیوسته از این روش و سنت نیکو متابعت نموده، فرمایش نبوی

۱- نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۴۶: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۲.

شریف را که فرمود: قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ،^۱ «دانش را به واسطه نگارش در بند آورید»، مدّ نظر خویش قرار می‌دهند و از طرفه‌ها و تحفه‌های حکمت و ادب در فنون مختلف میراثی ماندگار و یادگاری پایدار برای اهل زمانه و نسل‌های آینده بجای می‌گذارند.

مرحوم والد - رضوان الله علیه - در این مجموعه نفیس، از مطالب گوناگون، چون: احادیث و آیات شریفه و تفسیر پاره‌ای از آنان، و اشعار نغز و لطیف، و حکایات، و شرح احوال بزرگان و اولیای الهی، و طرح برخی از آراء فقهی در پاره‌ای از احکام و مسائل فقهیه مُبتلّی بها، و ادراج بعضی از مطالب کُتب مؤلّفین به مناسبت‌های مختلفه در مسائل عرفانی و فلسفی و فقهی و اجتماعی و تاریخی و غیره، مؤلفه‌ای ثمین و گرانسنگ پدید آورده‌اند که انصافاً باید آن را زیربنای سایر تألیفات و سخنرانی‌های ایشان به حساب آورد.

البته مقتضای نگارش این گونه نوشتارها طبع و انتشار آن به همان کیفیت نگارش و تدوین مطالب است؛ ولی از آنجا که هدف و مقصد مؤلف در این مجموعه چیزی جز ثبت و درج مطالب و موضوعات متفرقه و متنوّعه نیست، و تقدّم و تأخّر موضوعات هیچ دخالتی در کیفیت نگارش نخواهد داشت؛ همچنان‌که برای خواننده این مجموعه هیچ محدودیتی در قرائت مطالب متنوّعه و تقدّم و تأخّر آنها نمی‌باشد، برای متصدیان نشر و تنظیم‌کنندگان مسایل این تألیف نیز محدودیتی در انتشار و تدوین آنها به صورت موضوعی و فنی و مبوّب نخواهد بود.

گرچه انتشار این مطالب به همان کیفیت و اسلوب نگاشته شده خود دارای ملاححت و حلاوتی ویژه است، اما نظر به خصوصیت و تمایز ویژه برخی از

۱- تحف العقول، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۲۴.

موضوعات این تألیف، مصلحت و رجحان در این دیده شد که آنها به صورت مجزاً و به طور خاص به زیور طبع آراسته گردد تا مورد استفاده بیشتر و جاذبیت افزونتری گردند که از میان این مجموعه می‌توان به حکایات و شرح احوال بزرگان و مطالب ماندگار از آنها و مسایلی در حول و حوش آن آثار، و نیز ثبت و درج پاره‌ای از آراء و مبانی فقهی ایشان و فتاوی متمایزه از آراء و انظار دیگران، و همچنین ذکر موضوعات مختلفه فقهیه به طور اختصار و اجمال و رمز، و نیز بیان بسیاری از مسایل مختلف فقهیه در ابواب مختلفه که به صورت سرفصل و موضوع تنها نگارش یافته و وعده پرداختن به آنها در فرصت مناسب و تدوین یک مقاله علمی و فقهی برای هر کدام از آنها داده شده است اشاره نمود، که مع‌الأسف اراده و مشیت پروردگار توفیق انجام آن مهم و استفاده دیگران از آن را نداد و موضوعات و عناوین مسایل فقهیه به همان وضع در بوته اجمال واقع شدند.

البته با توفیق پروردگار و عنایات انفاس قدسیه آن ولی الهی امید است این حقیر ناچیز با بضاعت مزجات خویش و استناره از فیوضات ربّانی و اطلاع بر مبانی و اصول اصلیه آن بزرگوار به توضیح و تدوین آن عناوین و موضوعات ذکر شده در فرصت مناسب اقدام نمایم، و این الثری من الثریا، و این الأرض من السماء و این التراب من الملا الأعلى.

چنانچه مقتضای تدوین چنین مجموعه‌هائی طرح و ثبت پاره‌ای از مجملات علوم و فنون و اشاره‌ای رمزگونه به آنهاست، در این دفاتر از این نوع مطالب زیاد به چشم می‌خورد و طبیعی است که پرداختن به آنها و تفسیر و توضیح مبهمات و رموز در نوشتجات یک مؤلف بر عهده همان نویسنده و گردآورنده خواهد بود؛ خواه آن مؤلف در تبیین مجملات خویش راه صواب طی کند و یا دچار اشتباه و لغزش گردد، و یا اینکه اصلاً مطلب نیاز به تفسیر و شرح

ندارد و فقط مؤلف به جهت رعایت مصالح اجتماعی و یا حفظ حریم شخصی از بردن نام شخصی پرهیز نماید که در این صورت نیز مطلعین بر موارد ابهام و اجمال باید به این نکته توجه نمایند و در راستای همان ملاحظات و نگرش با این موارد برخورد نمایند.

و چه بسا که مؤلف عدم افشای این اسامی را در زمان خویش ضروری و افشای آن را در زمان متأخر لازم می‌دانست، بنابراین همچنان‌که مؤلف این مجموعه در طرح این گونه مجملات با رعایت مصالح و موازین منطقی زمان و دوران خود، صلاح را بر عدم افشاء و تصریح برخی از مطالب دانسته است و به واسطه این روش، انتقادی مبنی بر لغویت و عبثیت درج این گونه مطالب بر او وارد نمی‌شود؛ باید مطلعین بر حالات و عقاید و خصوصیات روحی و کلمات او متوجه نقاط رمز و اشارات باشند و با رعایت امانت، چشم خود را بر حقائق و واقعیتهای خارجی و مراد مؤلف نبندند، و ابلاغ و تبلیغ این حقائق را در حق نفوس مستعدّه و قلوب سلیمه از هواها و هوس‌ها و عناد و استکبار دریغ نورزند و آنها را از این موائد آسمانی و معارف ربّانی محروم ننمایند.

و رعایت همین نکته است که کلام حکیمانه و راهگشای مؤلف بزرگوار را از عبث بودن و بی‌فائده بودن خارج می‌سازد، و الاً ثبت این گونه امور مبهمه آن هم از شخصیتی این چنین به هیچ‌وجه قابل قبول و پذیرش نخواهد بود.

در اینجا توجه به این نکته مهمّ بسیار مناسب و بجا خواهد بود که بر اساس مطالب فوق انسان می‌تواند از مطالعه و تدقیق در این گونه نوشتارها به پاره‌ای از حقائق مرتبط با مؤلف و دیدگاه او نسبت به حوادث و مسائل اجتماعی و معتقدات و معارف الهی و شخصیت‌های گوناگون دست یابد که اطلاع بر آنها از کتب دیگر او چه بسا ممتنع و یا دشوار می‌نماید؛ و این نگرش و تحصیل آراء برای خوانندگان و محققین این مؤلفات خصوصاً اگر از مثل افرادی همچون

علامه طهرانی - رضوان الله علیه - باشد، تأثیری قاطع بر تصحیح آراء و دیدگاه و تفکرات انسان بجای خواهد گذارد و چه بسا به طور کلی و از بنیان روش زندگی او را تغییر خواهد داد و راه سعادت و فلاح را به او نمایان خواهد ساخت، و از انحرافات و فتنه‌ها و شایعات و پدیده‌های اغواگرانه مصون خواهد داشت؛ زیرا انسان با توجه به موقعیت و مرتبت ملکوتی رجال الهی و اولیاء حضرت حق، به این مطالب می‌نگرد و با این دیدگاه به آثار آنها توجه می‌نماید.

بدیهی است کیفیت نقل یک واقعه از بیان و بنان عارف بالله و انتخاب کلمات و جملاتی که به کار می‌رود با نقل آن قضیه از فرد دیگر بسیار متفاوت خواهد بود و ریزه‌کاریها و دقائقی که در میان این جملات به چشم می‌خورد دارای اشارات و تلمیحاتی به اسرار و مسائل خفیه‌ای است که در سایر آثار و کلمات شاید کمتر وجود داشته باشد.

این بنده معترف هستم که اطلاع بر یکی از همین راز و رمزها بود که به طور کلی سیر زندگی و دیدگاه اجتماعی و حیات دینی مرا متحول و متغیر نمود و دنیایی جدید و فضایی متفاوت و عالمی دگرگون به روی دیدگان من گشود که تا کنون از برکات و فیوضات و نفحات آن بهره‌مند می‌باشم؛ و با وجود مشاهده و لمس این همه تحولات و تبدلات در فضای زندگی و ارتباطات خود، و وجود جریانات و حوادث بی‌شمار در اطراف و فضای اجتماعی خویش، ابداً و ابداً به میزان سر سوزنی از آن منهج و مسیر انتخاب شده که ناشی از برکات آن نفحات و فیوضات الهی بود به این طرف و آن طرف متمایل نگشتم؛ و این مرتبت بزرگترین هدیه‌ای است از جانب پروردگار که به واسطه عباد مخلصین و اولیای الهی خویش به این حقیر ارزانی شده است، و ممتی است که اگر تا روز قیامت به پاس آن سر به سجده بگذارم حقش را اداء ننموده‌ام و نخواهم نمود.

البته آن بزرگوار در زمان حیات، پیوسته از نفحات قدسی قلب منیر

خویش قلوب و عقول ارادتمندان را به مبانی رصین و معارف متین، با الفاظ و عبارات مختلف، گاهی به طور صریح و بعضی از اوقات با کنایه و اشارات، به شاهراه مستقیم و صراطِ قویم مکتب حق دلالت و هدایت می نمودند و آنچه را که باید فرا می گرفتند به آنان می آموختند و از بیان حقائق و رقائِقِ دقائق به مستعدین دریغ نمی ورزیدند، ولی مع الأسف بسیار مشاهده می گردید که افراد مقصود و منظور آن بزرگ را در نمی یافتند یا تمایلی به دریافت آن نداشتند!

در همان دوران حیات بارها این حقیر مشاهده می کردم که ایشان در قضایا و حوادث مختلف اجتماعی به واسطه مسئولیت و تکلیفی که نسبت به شاگردان و ارادتمندان خود احساس می نمودند، مطلبی را به صور مختلف و اشکال گوناگون در قالب طرح مطالب علمی و معرفتی و یا در ضمن نقل داستان و یا ایراد ضرب المثلی به مخاطبین القاء می نمودند و پس از انقضاء مجلس برخی از آنان در مقام تقریر مطالب ذکر شده درست صد و هشتاد درجه نقطه مقابل منظور ایشان را برای سائرین بازگو می نمودند.

و اینک که نگارنده به تسطیر این سطور پرداخته تقریباً حدود شانزده سال از ارتحال آن رجل الهی می گذرد و ما مشاهده می کنیم که مبانی آن بزرگوار و معارفی که از آن وجود پر برکت در اختیار شیفتگان راه حق و حقیقت قرار گرفته است، بسیاری از افراد و اشخاص که خود با چشم و گوش خویش از زبان و بیان او این حقائق را تلقی می کردند و بدون واسطه از آن منبع فیض و چشمه حیات بهره مند بودند به تغییر و تحریف و اخفاء آن مبانی و معارف می پردازند و چنین وانمود می کنند که گوئی اصلاً چنین مسأله و مطلبی از ایشان صادر نشده است.

متأسفانه اخیراً کتابی در شرح حالات ایشان نگاشته شده است که صحت مدعای حقیر را به اثبات می رساند و آن دغدغه و تشویشی را که پس از ارتحال

مرحوم والد معظم در تحریف و مسخ مرام و مکتب آن بزرگ مشاهده می نمودم به منصّه ظهور می رساند.

مرحوم والد معظم - روحی فدا - نسبت به آموزه های دینی و حریم مقدّسات الهی حسّاسیتی ناگفتنی داشته اند، مخصوصاً نسبت به حریم ولایت و موضوع امامت که خارج از توصیف و تعریف می باشد.

روزی این بنده با ایشان درباره مسأله امامت و ولایت حضرت ولی عصر ارواحنا فدا مذاکره داشتم و در بین مطالب عرض کردم: آقا جان بنده فکر می کنم در این انقلاب با توجّه به دست آوردهای مثبت و مفید خود، در مسأله حضرت صاحب العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ابراز آن در میان جامعه کوتاهی شده است. ایشان فرمودند:

بله مطلب همین طور است و من فقط برای تبیین همین موضوع و ارائه شخصیت و تشریح حقیقت صاحب ولایت بود که به تألیف دوره «امام شناسی» پرداختم و این دوره بهترین تألیف من است در بین جمیع مؤلفاتم. مرحوم والد نسبت به حریم امامت و رعایت جهات و شؤون امام علیه السلام آنچنان حسّاسیتی داشتند که فقط برای حفظ حرمت امام و استعمال لفظ «امام» در خصوص امام معصوم علیه السلام و عدم جواز استفاده از این لفظ در مورد سایر از بزرگان و اعظام یک جلد منحصرأ به رشته تحریر درآوردند و آخرین مجلد از تألیف قویم دوره «امام شناسی» را به این مسأله حیاتی اختصاص دادند و در خصوص این مطلب با بعضی از اعظام و مسئولین امر به مذاکره پرداختند و این حقیر در آن جلسه معهود حاضر و شاهد بودم.

اما مع الأسف الشدید مشاهده می کنیم در این کتابی که مقصد و غایت از تدوین را تبیین و شرح مبانی و آراء این رادمرد الهی بیان داشته است، در مورد عدم استفاده از عنوان «امام» برای رهبر فقید انقلاب مرحوم آیه الله خمینی

- رحمة الله عليه - به دلیل و عذر واهی و مُضْحِکِ رعایت فضای موجود در زمان گذشته، تمسک گردیده است.

واقعاً انسان نمی‌داند بر این توهّمات بخندد و یا بگرید!! عذر بدتر از گناه. آخر این قلم را - که هنوز هویتش برای بنده مشخص نگشته - چه شده است که این چنین جسورانه به خود اجازه هتک حرمت به حریم مقدّس اولیای الهی را می‌دهد و با نادیده انگاشتن علّت حرمت و منع قاطع آن ولیّ الهی که با صراحت تامّ در جلد هجدهم «امام شناسی» بدان پرداخته است، موضوع را به دست فراموشی می‌سپارد و به خواننده این چنین القاء می‌کند که علّت عدم استفاده از لفظ «امام» فقط به جهت رعایت فضای گذشته بوده است، عذری که مادر فرزند مرده را به قهقهه می‌اندازد؛ تو گویی که این افراد مخاطبین خود را نادان فرض نموده‌اند و با زبان و فهم مادون خویش با آنان به تخاطب نشسته‌اند.

اما این جانب به صراحت اعلام می‌کنم: مرحوم والد ما - قدّس الله سرّه - استعمال لفظ «امام» را فقط و فقط در انحصار امام معصوم علیه السّلام روا دانسته و استفاده از این عنوان را برای هر فردی غیر از امام معصوم علیه السّلام در عالم وجود حرام و موجب عقاب الهی می‌دانسته است. و در اینجا از خوانندگان معظّم تقاضا می‌کنم حتماً و حتماً به جلد هجدهم کتاب «امام شناسی» ایشان مراجعه نمایند و مطالب این تألیف بی‌نظیر را با دقّت و متانت و موشکافی هرچه بیشتر مورد تحقیق و تأمل قرار دهند.

آری اینست نتیجه غلبه هواها و تکالب بر کثرات و عالم تخیلات بر حقائق عالم وجود؛ «ثُمَّ كَانَ عَنِيبَةَ الَّذِينَ أُسْتُؤُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِفَايْتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ»^۱

۱- سوره الروم (۳۰) آیه ۱۰.

یکی از مجموعه مطالبی که در این دوره «جنگ»، مرحوم والد بدان پرداخته‌اند شرح حال بزرگان و اولیای الهی و ذکر پاره‌ای از آثار و مطالبی است که از آنها باقی مانده است. والحق باید به خوانندگان محترم توصیه نمود که از سطر سطر این حکایات بهره گیرند و از رموزی که آن بزرگوار در لابلای جملات به یادگار گذاشته است حظّ وافر و نصیب اوفی ببرند و آن مواهب الهیه را ره‌توشه مسیر زندگی و حیات اخروی خویش گردانند، که به فرموده حضرت باری: «لَقَدْ كَاتَبَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱ یاد و ذکر داستان بزرگان و حوادث عبرت‌آمیز تأثیری شگرف در روان انسان، و در جهت تعیین و تصحیح مسیر زندگی و حیات نقشی اساسی خواهد داشت.

و از آنجا که نفس آدمی قبل از وصول به مراتب فعلیت و ادراک حقایق کلیه عالم هستی و عبور از جزئیت و اندکاک در کلیت به واسطه نقصان و خلأ وجودی تمایل به اشتغال در امور حسیه و جزئیه دارد، بنابراین بیان یک حقیقت عالی و معرفت راقی اگر چنانچه توأم با ذکر داستان و شرح حال بزرگی از اولیای الهی و یا حکایت تاریخی عبرت‌انگیزی باشد، اوقع فی النفس خواهد بود و روان آدمی در جذب و قبول آن سریع‌تر و آماده‌تر می‌باشد.

متأسفانه دخالت اغراض شخصیه در نقل قصص و حوادث تاریخی بسیاری از مورّخین و ناقلان، حکایات را در انظار بی‌اعتبار و غیر معتمد نموده است؛ و این مسأله مصیبتی است که پیوسته در طول تاریخ بر بسیاری از اندیشمندان و صاحبان قلم وارد شده است و در نقل احوال افراد اغراض و سلیقه‌های شخصی اعمال گردیده و بر اساس همان اهداف، تاریخ تدوین گردیده است و این روش خیانت به واقع و تاریخ محسوب می‌شود؛ زیرا اولاً: نفس ثبت

۱- سوره یوسف (۱۲) صدر آیه ۱۱۱.

یک واقعۀ برخلاف وجود خارجی و عینی آن فی حدّ نفسه مذموم و خلاف می‌باشد، خواه این سنت تأثیری منفی در دیدگاه باقی بگذارد و یا نگذارد؛ زیرا این روش، تقابل با واقعیت خارج و عالم وجود خواهد بود و این خود یک عمل ناپسند و قبیح می‌باشد.

ثانیاً: موجب اغراء به جهل و تلقین خلاف در نفوس افراد ناآگاه و غیر مطلع بر جریانات و احوال و اوصاف اشخاص خواهد شد؛ و چه بسا افراد بر اساس این روش پایه و بنای حیات دنیوی و اخروی خویش را تباه سازند و به دنبال اعتماد و اطمینان کاذب بر این نقل، دنیا و آخرت خود را نابود سازند و خود را به مهلکه‌ها بیندازند و استعدادهای وجودی خود را که می‌بایست با اتکاء بر مبانی رصین تشریح به فعلیت برسانند، ضایع و باطل گردانند.

مرحوم والد - رضوان الله علیه - پیوسته در مجالس و محافل خود به ذکر خاطرات و گفتار بزرگان در معارف الهیه می‌پرداخت و نیز در تألیفات مطبوعه از بیان داستان و آثار اولیای الهی مجموعه‌ای نفیس و شیرین به مخاطبین اهداء می‌نمود، و همین موضوع سبب گردیده بود که آثار ایشان از حلاوت و جاذبیت خاصی برخوردار باشند و در تأثیر معارف در نفس و قلب خواننده نقشی در خور توجه ایفاء نمایند. و از آنجا که بسیاری از حکایات و مطالب عالیه و راقیه ایشان که برای تلامذه و ارادتمندان فرموده‌اند نه در کتب منتشره، و نه در نوشتجات خطی، وجود ندارد این بنده حیف دیدم که از درج آنها به صورت پاورقی مضایقه شود؛ گرچه بیان ایشان و ترکیب کلمات و انتخاب تعابیر از مثل ایشان قطعاً با آنچه که به عنوان نقل از امثال بنده حاصل می‌شود متفاوت خواهد بود.

تذکر به این نکته نیز حائز اهمیت است که از آنجا که مطالب مسموعه از ایشان به واسطه و جهت همان مسائلی که ذکر شد چه بسا با اصل واقع و منبع آنها تفاوت و اختلاف فاحش و اساسی دارد، لذا این قلم فقط به ذکر حکایات و

آثاری از ایشان در پاورقی می‌پردازم که خود شخصاً از محضرشان شنیده و استفاده نموده‌ام و بدین‌وسیله از سروران و بزرگوارانی که سالیان متمادی از محضرش مستفیض گشته‌اند و هر کدام از خرمن انعام و افضال او ره‌توشه‌ای گرانسنگ حاصل نموده‌اند عذرخواهی می‌کنم که نمی‌توانم مسموعات آنان را در این کتاب نقل نمایم؛ امید است بر این جسارت خرده نگیرند و محظور این قلم را با دیده عفو و اغماض و کرامت بنگرند و اگر چنانچه خود صلاح دانسته‌اند به نشر آثار و مطالبی که از آن بزرگ به دست آورده‌اند بپردازند.

لازم به ذکر است که آن بزرگوار در سنه آخر حیات پر برکت خویش این بنده را مأمور و مکلف به بازنگری و تنقیح، و چه بسا حذف پاره‌ای از مطالب مدوّه در مجلدات «جنگ» خویش نمودند تا پس از انجام این مهم، این مطالب که حاصل مطالعات و تحقیقات و مسموعات یک عمر حیات علمی و عرفانی ایشان بوده به زیور طبع و نشر و إفاده آراسته گردد و مورد استفاده و بهره‌مندی عموم قرار گیرد، حقیر در آن سال به واسطهٔ اقامت در قم و اشتغال به مباحث طلبگی و علوم اسلامی موفق به این امر نشدم، تا پس از ارتحال ایشان این مسأله به صورتی مجمل و بسیار عجولانه، و نه چندان مطلوب در مدتی محدود صورت گرفت، و بنا بر این داشتم که در فرصت مطلوب به آن بپردازم که متأسفانه به واسطهٔ بعضی از علل از توفیق قیام به این تکلیف محروم گشتم؛ امیدوارم اینک که توفیق الهی شامل حال بسیاری از اعزّه و أحبّه و إخوان و أخلاء روحانی که از تلامذهٔ آن رادمرد الهی و پویندگان راستین منهج و مکتب قویم ایشان شده است، و به تحقیق در نوشتجات خطی و غیر مطبوع ایشان پرداخته‌اند حقیر نیز از نعمت ریزه‌خواری سفرهٔ انعام او محروم نباشم؛ و من الله التّوفیق و علیه التّکلان.

در خاتمه از جمیع إخوان دینی و اخلاء روحانی که در تدوین و تحصیل این مطالب سعی بلیغ مبذول داشته‌اند تشکر می‌نمایم و اجر و ثواب این عمل خالصانه و

جُهد بی‌پیرایه را از درگاه ایزد متعال مسئلت می‌نمایم، و امداد انفاس قدسیه صاحب ولایت کبری عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیوسته موجب تأیید و تسدید و استمرار توفیق آنها در سلوک الی الله و نشر معارف مکتب وحی و علوم آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم می‌دانم، و توجه ارواح اولیای الهی و نفوس قدسیه اساتید، بالأخص حضرت علامه والد - قدس الله أسرارهم - را از عالم برزخ و آخرت به این شیفتگان و تشنگان ماء معین معارف الهیه، قطعاً به عنوان علت و سبب معدّۀ استمرار این منهج قویم به حساب می‌آورم؛ و بر حال و مرامشان این بنده مسکین و محروم از رحمت الهی غبطه می‌خورم، و امید شفاعت و دستگیری را در روز جزا و حساب مسئلت می‌نمایم؛ و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین.^۱

- ۱- تذکر و توجه چند مطلب توسط لجنه تحقیق و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی - قدس الله نفسه الزکیة - لازم و ضروری می‌نماید:
- (۱) در این مجموعه نفیس، تعلیقه‌های معلق محترم با امضاء [معلق] و تحقیقات و توضیحات لجنه تحقیق و نشر و آثار با امضاء [محقق] مشخص شده است.
- (۲) چنانچه در اثناء صفحات، عنوان جدیدی زده شده یا تصحیحی صورت گرفته است، داخل قلاب [] قرار گرفته است تا فارق بین متن حضرت علامه و لجنه تحقیق باشد.
- (۳) بدیهی است که در گرد آوری این مجموعه ثمین و گرانقدر، هر آنچه از آثار و مکتوبات خطی مرحوم علامه - قدس الله نفسه الزکیة - که در اختیار بوده است را جمع آوری و تبویب نموده‌ایم، و چه بسا مطالبی بوده باشد که به علت عدم دسترسی به آنها در این مجلدات آورده نشده است که در صورت دستیابی به آنها ان شاء الله در مجلدات بعدی آورده خواهد شد.
- (۴) از همین مجموعه یک مجلد مستقل تحت عنوان «صلاة الجمعة رسالة فقهية فی وجوب صلاة الجمعة عیناً و تعیناً» و دو مجلد تحت عنوان «انوار ملکوت: نور ملکوت روزه، نماز، مسجد، قرآن، دعا» (مواعظ رمضان المبارک ۱۳۹۰) قبلاً توسط همین لجنه چاپ شده است.
- (۵) آدرس جنگ‌ها و مکتوبات خطی که در هامش صفحات آمده است بر اساس طبع حروفی که توسط این مجموعه تنظیم شده است می‌باشد که ان شاء الله تعالی به زودی در سایت‌های اینترنتی وابسته به این مجموعه قرار خواهد گرفت.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا
وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا.
اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ
وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةً
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

قم عتبه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها
هشتم ماه مبارک رمضان سنه ۱۴۳۰ هجری قمری
سید محمد محسن حسینی طهرانی

۶) اتیان و عمل به اذکار و اوراد و دستور العمل‌های آورده شده در این مجموعه بدون
اجازه از استاد کامل، و خبیر به مراتب و مراحل نفس که از جزئیت به کلیت پیوسته و باقی به
بقاء الهی شده و جهت ارشاد عباد معین گردیده است، جایز نمی‌باشد.

۷) چنانچه نقل قول یا حکایتی در دو آدرس متفاوت از مکتوبات خطی آمده بود، اگر بدون
هیچ اختلافی به عینه تکرار شده بود، یکی از دو مورد را ثبت نموده و به آدرس مورد دیگر
اکتفا شده است؛ ولیکن اگر اندکی اختلاف در نسخه و تعبیر وجود داشت هر دو مورد آورده
شده تا نکات و ظرافت‌های در تعبیر محفوظ بماند، و ای چه بسا یک مطلب به دلیل اهمّیت و
خصوصیت مورد در دو جای مختلف، آورده شده است.

۸) چنانچه مطلب استنساخ شده از کتابی مورد نظر حضرت علامه نبوده است معمولاً در
عنوان بحث یا در تعلیقه نظر خویش را بیان فرموده‌اند.

۹) خدای منان را شاکریم که ما را مصداق «وَهْدُونَا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُونَا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ»
قرار داد و توفیق بر چیدن توشه‌ای از خرمین بی پایان عرفان و توحید را شامل حالمان نمود که
به سعادت تحقیق و تبویب قلم نورانی روح مجرد و نفس قدسی انسان العین و عین الانسان،
حضرت علامه - ارواحنا لثراب مقدمه الفداء - نائل آمدیم.

لذا چنانچه کمی و کاستی یا لغزش در تنظیم و نشر آثار ایشان داشته و داریم، امید عفو و اغماض
از ساحت ملکوتی آن ولی الهی - رضوان الله علیه - و قاطبه علماء و محققین را خواهیم.